

ظہور امام مہدی (عج)

از نگاہ قرآن



ناصر مکارم شیرازی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ظهور امام مهدی (عج) از نگاه قرآن

نویسنده:

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی (دام ظلّه)

ناشر چاپی:

صدای عدالت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	ظهور امام مهدی (عج) از نگاه قرآن
۶	مشخصات کتاب
۶	الامام المهدی
۷	اشاره قرآن به ظهور حضرت مهدی
۷	حکومت صالحان در زمین
۱۰	سوره نور، آیه ۵۵
۱۱	آیه ظهور حق
۱۳	پاورقی
۱۴	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

ظهور امام مهدی (عج) از نگاه قرآن

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۴-۴۲۲۸۴

سرشناسه: مکارم شیرازی ناصر

عنوان و نام پدیدآور: ظهور امام مهدی (عج) از نگاه قرآن مکارم شیرازی ناصر

منشأ مقاله: صدای عدالت (۲۱ آبان ۱۳۸۴): ص ۱۲.

، (۲۲ آبان ۱۳۸۴): ص ۱۲.

، (۲۳ آبان ۱۳۸۴): ص ۱۲.

، (۲۴ آبان ۱۳۸۴): ص ۱۲.

، (۲۵ آبان ۱۳۸۴): ص ۱۲.

، (۲۶ آبان ۱۳۸۴): ص ۱۲.

توصیفگر: قرآن توصیفگر: ظهور منجی توصیفگر: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم توصیفگر: احادیث

الامام المهدی

بر خلاف آنچه بعضی از ناآگاهان تصور می‌کنند اعتقاد به قیام مهدی (ع) و حکومت جهانی او مخصوص شیعه و پیروان مکتب اهل بیت (ع) نیست، بلکه تمام فرق اسلامی بدون استثناء ظهور مردی از دودمان پیامبر را در آخر زمان به نام مهدی که دنیا را پر از عدل و داد می‌کند پذیرفته‌اند، و روایات آن را در کتب خود از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده‌اند. کتابهای فراوانی در این زمینه به وسیله دانشمندان اهل سنت و علمای شیعه نگاشته شده است که به قسمتی از آن در بحثهای آینده اشاره می‌شود. این روایات متواتر و قطعی است که همه محققان اسلامی - صرف نظر از مذهب خاص خود - آن را پذیرفته‌اند، تنها عده محدودی مانند «ابن خلدون» و «احمد امین مصری» در صدور این روایات از پیامبر تردید کرده‌اند، و قرائنی در دست داریم که انگیره آنها از این کار ضعف روایات نبوده بلکه شاید فکر می‌کردند که روایات مربوط به قیام مهدی مشتمل بر خارق‌عاداتی است که به سادگی نمی‌توانند آن را باور کنند. این در حالی است که متعصب‌ترین فرق اسلامی یعنی «وهابی‌ها» نیز آن را پذیرفته و به متواتر بودن احادیث آن اعتراف کرده‌اند. شاهد این مدعا بیانیه‌ای است که چند سال قبل از طرف رابطه العالم الاسلامی که شدیداً زیر نفوذ وهابیان و دولت سعودی است، در پاسخ سؤالی که از آنها درباره ظهور حضرت مهدی شده بود صادر گردید. این بیانیه در پاسخ یکی از اهالی «کنیا» به نام «ابو محمد» و به امضای دبیر کل «رابطه العالم الاسلامی» «محمد صالح القزاز» بود، در این بیانیه آمده است که: «ابن تیمیه» مؤسس مذهب وهابیان احادیث مربوط به مهدی (ع) را نیز پذیرفته است سپس به رساله‌ای که پنج تن از علمای معروف حجاز در این زمینه تهیه کرده‌اند می‌پردازد: در قسمتی از این رساله می‌خوانیم: «به هنگام ظهور فساد در جهان و نشر کفر و ظلم، خداوند جهان را به وسیله «مهدی» پر از عدل و داد می‌کند آنگونه که از ظلم و ستم پر شده است، او آخرین خلیفه راشدین دوازده گانه است که پیامبر طبق کتب صحاح از آن خبر داده است.... احادیث مربوط به مهدی را بسیار از صحابه پیامبر (ص) نقل کرده‌اند از جمله عثمان بن عفان، علی بن ابی طالب، طلحه بن عبیدالله، عبدالرحمن بن عوف، عبدالله بن عباس، عمار بن یاسر، عبدالله بن مسعود، ابوسعید خدری، ثوبان، قره بن ایاس مزنی، عبدالله بن حارث، ابوهریره، خذیفه بن یمان، جابر بن عبدالله، ابوامامه، جابر بن ماجد، عبدالله بن عمر، انس بن مالک، عمران بن حصین و ام سلمه. اینها بیست نفر از کسانی هستند که روایات مهدی را نقل کرده‌اند، افراد زیاد

دیگری غیر آنها نیز وجود دارند. سخنان فراوانی نیز از خود صحابه درباره ظهور مهدی نقل شده است که آنها را نیز می‌توان در ردیف روایت پیامبر شمرد، زیرا این مساله از مسائلی نیست که بتوان با اجتهاد پیرامون آن سخن گفت (بنابراین صحابه این مطالب را از پیامبر شنیده‌اند). سپس می‌افزاید: این دو مطلب (روایات پیامبر (ص) و روایت صحابه که در اینجا در حکم حدیث است) در بسیاری از متون معروف اسلامی و کتب اصلی حدیث اعم از «سنن» و «معاجم» و «مسانید» آمده است. از جمله سنن ابی داود، سنن ترمذی، ابن ماجه، ابن عمرو، مسند احمد، و ابن لیلی، و بزاز، و صحیح حاکم، و معاجم طبرانی، و دارقطنی و ابونعیم، و خطیب بغدادی و ابن عساکر و غیر آنان. سپس می‌افزاید: این مطلب آن اندازه اهمیت دارد که بعضی از دانشمندان اسلامی کتابهای مخصوص در زمینه اخبار مهدی تألیف کرده‌اند از جمله ابو نعیم اصفهانی، «در اخبار المهدی»، «ابن حجر هیثمی» در «القول المختصر فی علامات المهدی»، «شوکانی» در «التوضیح فی تواتر، جاء فی المنتظر و الرجال و المسیح» و «ادریس عراقی مغربی» در کتاب «المهدی» و ابو العباس ابن «عبدالمومن المغربی» در کتاب «الوهم المکنون فی الرد علی بن خلدون». بعد از اضافه می‌کند: گروهی از دانشمندان بزرگ اسلام از قدیم و جدید در نوشته‌های خود تصریح کرده‌اند که احادیث درباره مهدی در حد تواتر است (و به همین دلیل قابل انکار نیست). از جمله از «سخاوی» در کتاب «فتح المغیث» محمد بن احمد سفاوینی در کتاب «شرح العقیده» و ابوالحسن الایبری، در کتاب «مناقب الشافعی» و ابن تیمیه در کتاب فتاویش، و سیوطی در «الحاوی» و ادریس عراقی در کتاب خود و شوکانی در «التوضیح» و محمد جعفر کنانی «نظم التناثر». و در پایان این بحث می‌گوید: تنها «ابن خلدون» است که خواسته احادیث مهدی را مورد ایراد قرار دهد، ولی بزرگان دین و دانشمندان اسلام گفتار او را رد کرده‌اند، و بعضی مانند «ابن عبدالمؤمن» کتاب ویژه‌ای در رد او نوشته‌اند. کوتاه سخن اینکه حافظان حدیث و بزرگان دین تصریح کرده‌اند که احادیث مهدی مشتمل بر احادیث صحیح و حسن است و در مجموع متواتر می‌باشد. و در پایان چنین نتیجه می‌گیرد: «بنابراین اعتقاد به ظهور مهدی بر هر مسلمانی واجب است، و این جزء عقائد اهل سنت و جماعت است، و هیچکس جز افراد نادان و بیخبر یا بدعتگذار آن را انکار نمی‌کنند. [۱]. اشاره به این نکته نیز لازم است که به اعتقاد گروهی از محققین، اعتقاد به وجود مهدی منحصر به مسلمانان نیست، بلکه سایر پیروان مذاهب نیز همواره در انتظار مصلحی بزرگ برای جهان هستند، و در منابع مختلف آنها این معنی یادآوری شده است، و شرح حال بیشتر آنرا باید در کتبی که درباره ظهور مهدی نوشته شده است مطالعه کرد. [۲].

اشاره قرآن به ظهور حضرت مهدی

حکومت صالحان در زمین

در سوره انبیاء می‌خوانیم: ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون - ان فی هذا لبلاغاً لقوم عابدين: «ما در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم (و مقرر داشتیم) که بندگان صالح من (حکومت) زمین را به ارث می‌برند در این سخن ابلاغ روشنی است برای گروه عبادت کنندگان» (انبیاء - ۱۰۵ - ۱۰۶) این آیات، به دنبال آیاتی که پاداش اخروی صالحان را بیان می‌کند قرار گرفته، و در واقع بیانگر پاداش دنیوی آنان است و پاداش بسیار مهمی که زمینه ساز سعادت و اجرای احکام الهی و صلاح و نجات جامعه انسانی است. با توجه به اینکه «ارض» به طور مطلق تمام کره زمین و سراسر جهان را شامل می‌شود (مگر اینکه قرینه خاص در میان باشد) این آیه بشارتی است در زمینه حکومت جهانی صالحان و از آنجا که این معنی در گذشته تحقق نیافته است باید در آینده در انتظار آن بود و این همان چیزی است که به عنوان «حکومت جهانی مهدی» از آن یاد می‌کنیم. این نکته نیز قابل توجه است که آیه می‌گوید: «ما این وعده را در کتب انبیاء پیشین نیز نوشته‌ایم اشاره به اینکه این وعده تازه نیست بلکه امری است ریشه‌دار که در مذاهب دیگر نیز آمده است. منظور از «زبور» به احتمال قوی همان «زبور داود» است که مجموعه‌ای از مناجات‌ها و

نیایشها و اندرزهای داود پیامبر می‌باشد که در کتب عهد قدیم (کتب وابسته به تورات) به عنوان «مزمیر داود» از آن یاد شده است. جالب اینکه در همین کتاب مزمیر داود - با تمام تحریفاتی که در کتب عهد قدیم به مرور زمان صورت گرفته - باز این بشارت بزرگ دیده می‌شود. در مزمور ۳۷ جمله ۹ می‌خوانیم: «... زیرا که شیرین منقطع می‌شوند و اما متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد، و حال اندک است که شیرین نیست می‌شود، هر چند مکانش را استفسار نمایی ناپیدا خواهد شد»! او در جمله یازدهم همین «مزمور» آمده است: «اما متواضعان وارث زمین شده و از کثرت سلامتی متلذذ خواهد شد». و نیز در همین «مزمور» در جمله ۷ همین معنی با عبارت زیر آمده است: «زیرا متبرکان خداوند وارث زمین خواهند شد اما ملعونان وی منقطع خواهند شد» و در جمله ۲۹ آمده است: «صدیقان وارث زمین شده ابتدا در آن ساکن خواهند شد». روشن است تعبیراتی مانند «صدیقان»، «متوکلان»، «متبرکان» و «متواضعان» اشاره به همان «مؤمنان صالحان» است که در قرآن آمده. منظور از «ذکر» در آیه فوق نیز به اعتقاد بسیاری از مفسران تورات است و آیه ۴۸ همین سوره انبیاء، به آن گواهی می‌دهد: و لقد اتینا موسی و هارون الفرقان و ضیاء و ذکرى للمتقین: «ما به موسی و هارون چیزی که وسیله جدایی حق از باطل و روشنایی و یادآوری پرهیزگاران بود بخشیدیم». بعضی نیز احتمال داده‌اند که منظور از «ذکر»، «قرآن» است، و از «زبور» تمام کتب انبیای پیشین است (بنابراین معنی آیه چنین می‌شود ما در تمام کتب انبیای پیشین علاوه بر «قرآن» این بشارت را داده‌ایم...». به هر حال این بشارت در پاره‌ای از ملحقات تورات مانند کتاب «اشعیاء نبی» نیز آمده است چنانکه در فصل یازدهم این کتاب می‌خوانیم: «ذلایان رابه عدالت حکم، و برای مسکینان زمین به راستی تنبیه (و مایه بیداری) خواهد بود. کمربند کمرش عدالتو وفا نطق میانش خواهد بود و گریه با بره سکونت داشتهو طفل کوچک شبان ایشان خواهد بود... زیرا که زمین از دانش خداوند مثل آبهایی که دریا را فرو می‌گیرند پر خواهد شد! در خود تورات نیز اشاره‌هایی به این معنی دیده می‌شود از جمله در فصل ۱۳ شماره ۱۵ آمده است: «زمین را به یکی از اولاد ابراهیم می‌دهیم اگر کسی غبار را بشمارد ذریت او را خواهد شمرد». و در فصل ۱۷ جمله ۲۰ آمده است: او (اسماعیل) را برکت دادم و او را بارور گردانیده (فرزندانش را) به غایت زیاد خواهم نمود و دوازده سرور به وجود خواهد آورد و او را امت عظیمی خواهد داد!». به جمله دوازده سرور به وجود خواهد آورد که نشان می‌دهد امامان و پیشوایان دوازده گانه همه از فرزندان او هستند توجه کنید. و در فصل ۱۸ جمله ۱۸ آمده است: «جميع اقوام دنیا در او متبرک خواهند بود». و تعبیرات و اشارات دیگری از این قبیل که ذکر همه آنها به طول می‌انجامد. در روایات اسلامی - علاوه بر اشاره روشنی که در آیه فوق نسبت به قیام مهدی (ع) شده - نیز این مساله به طور صریح آمده است، از جمله مرحوم «طبرسی» در «مجمع البیان» در ذیل همین آیه از امام باقر (ع) چنین نقل می‌کند: «هم اصحاب المهدی فی آخر الزمان»: «آنها (بندگان صالحی را که خداوند در این آیه بعنوان وارثان زمین ذکر فرموده است) یاران مهدی (ع) در آخر الزمان هستند». در تفسیر قمی نیز در ذیل آیه چنین آمده است: «قال القائم و اصحابه»: «منظور از این آیه (قائم) و یاران او هستند». شک نیست که بندگان صالح خدا ممکن است بخشی از حکومت روی زمین را در اختیار بگیرند، همانگونه که در عصر رسول الله (ص) و بعضی از اعصار دیگر واقع شد، ولی قرار گرفتن حکومت تمام روی زمین در اختیار صالحان تنها در عصر مهدی (ع) صورت می‌گیرد و روایات فراوانی که از طرق اهل سنت و شیعه در این زمینه رسیده است در سر حد تواتر است. «شیخ منصور علی ناصف» نویسنده کتاب «التاج الجامع للاصول» (کتابی که اصول پنجگانه معروف اهل سنت در آن گردآوری شده و تقریظهای مهمی از علمای الازهر بر آن نوشته‌اند) در کتاب مزبور چنین آورده است: «اشتهر بین العلماء و خلفائه فی آخر الزمان لابد من ظهور رجل من اهل البيت مسمى المهدی یستولی علی الممالک الاسلامیه و یتبعه المسلمون و یعدل بینهم و مؤید الدین»: «در میان دانشمندان امروز و گذشته مشهور است که در آخر زمان به طور یقین مردی از اهل بیت (ع) ظاهر می‌شود که بر تمام کشورهای اسلامی مسلط می‌گردد و همه مسلمانان از او پیروی می‌کنند و در میان آنها عدالت را اجرا می‌نماید و دین را تقویت می‌کند». سپس می‌افزاید: «وقد روی احادیث المهدی جماعه من خيار الصحابه و اخرجها اکابر المحدثین: کابی داود و ترمذی و ابن ماجه و الطبرانی

و ابی یعلی و البزاز و الامام احمد و الحاکم (رض). احادیث مهدی را گروهی از اصحاب خوب پیامبر (ص) نقل کرده و بزرگان اهلیت مانند ابو داود و ترمذی و ابن ماجه و طبرانی و ابویعلی و بزاز و امام احمد و حاکم در کتابهای خود آورده‌اند. [۳]. حتی ابن خلدون که معروف به مخالفت با احادیث مهدی است نیز شهرت این احادیث را در میان همه دانشمندان اسلام نتوانسته انکار کند. [۴]. از کسان که تواتر این اخبار را در کتاب خود آورده‌اند «محمد شبلیجی» دانشمند معروف مصری در کتاب «نورالابصار» است می‌گوید: تواتر الاخبار عن النبی (ص) علی ان المهدی من اهل بینه و انه یملاء الارض عدلاً: «اخبار متواتری از پیامبر به ما رسیده که مهدی از خاندان او است و تمام روی زمین را پر از عدالت می‌کند». این تعبیر در بسیاری از کتب دیگر نیز آمده است تا آنجا که «شوکانی» از علمای معروف اهل سنت در کتابی که پیرامون تواتر احادیث مربوط به مهدی (ع) و خروج دجال و بازگشت مسیح نوشته بعد از بحث مشروحی در زمینه تواتر احادیث مربوط به مهدی (ع) می‌نویسد: هذا یکفی لمن کان عنده ذرۃ من الایمان و قلیل من انصاف: «آنچه گفته شده برای کسانی که یک ذره ایمان و یک جو انصاف دارند کافی است». [۵]. خوب است در اینجا حداقل چند روایت نخبه که در معروفترین منابع اسلامی آمده است به عنوان مشت نمونه خروار بیاوریم: ۱- «احمد حنبل» از ائمه چهارگانه اهل سنت در کتاب «مسند» خود از «ابو سعید خدری» نقل می‌کند که پیغمبر اکرم (ص) فرمود: لا تقوم الساعة حتی تمتلأ الارض ظلماً و عدواناً، قال ثم یمخرج رجل من عترتی او من اهل بیتی یملاها قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و عدواناً: «قیامت بر پا نمی‌شود تا آن زمانی که زمین پر از ظلم و ستم گردد، سپس مردی از عترت یا اهل بیت من قیام می‌کند و زمین را پر از قسط و عدل می‌سازد آن گونه که ظلم و ستم آن را پر کرده بود». [۶]. ۲- همین معنی را حافظ ابو داود سجستانی در کتاب «سنن» خود با مختصر تفاوتی نقل کرده است. [۷]. ۳- ترمذی محدث معروف به سند صحیح (طبق تصریح منصور علی ناصف در التاج) از عبدالله از پیغمبر نقل می‌کند که فرمود: لو لم یبق من الدنیا الا یوم لطول الله ذلک الیوم حتی یبعث رجلاً منی او من اهل بیتی یواطئ اسمه اسمی و اسم ایه اسم ابی یملاً الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً: «اگر باقی نماند از عمر دنیا مگر یک روز، خداوند آن یک روز را چنان طولانی می‌کند که مبعوث کند مردی را از من یا از اهل بیت من (تردید از راوی روایت است و مفهوم و محتوا یکی است) که اسم او اسم من و اسم پدرش اسم پدر من است. [۸] زمین را پر از عدل و داد می‌کند آن گونه که از ظلم و ستم پر شده است. [۹]. شبیه همین حدیث را با مختصر تفاوتی حاکم نیشابوری در «مستدرک» آورده و در پایان آن می‌گوید: این حدیث صحیحی است هر چند بخاری و مسلم آن را ذکر نکرده‌اند. [۱۰]. ۴- و نیز در صحیح «ابی داود» از ام سلمه نقل شده است که می‌گوید که من از رسول خدا شنیدم چنین می‌گفت: المهدی من عترتی من ولد فاطمه: «مهدی از خاندان من است و از فرزندان فاطمه». [۱۱]. ۵- حاکم نیشابوری در مستدرک، حدیث مشروحتری در این زمینه از ابو سعید خدری از پیامبر (ص) نقل می‌کند که فرمود: ینزل بامتی فی آخر الزمان بلاء شدید من سلطانهم، لم یسمع بلاء اشد منه حتی تضیق عنهم الارض الرحبه و حتی یملا الارض جوراً و ظلماً لا یجد المؤمن ملجأً یلتجأ الیه من الظلم فیبعث الله عزوجل رجلاً من عترتی فیملأ الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً یرضی عنه ساکن الارض السماء و ساکن لاتدخر الارض من بذرها شیئاً الا اخر جته و لا السماء من قطرها شیئاً الا صبه الله علیهم مدراراً: «در آخر زمان بلاء شدیدی بر امت من از سوی سلطان آنها وارد می‌شود بلایی که شدیدتر از آن شنیده نشده تا آنجا که زمین وسیع و گسترده بر آنها تنگ می‌شود و تا آنجا که زمین پر از جور و ظلم می‌گردد و مؤمن پناهگاهی برای پناه جستن به آن از ظلم نمی‌یابد در این هنگام خداوند متعال مردی از عترتم را مبعوث می‌کند که زمین را پر از عدل و داد کند آن گونه که از ظلم و ستم پر شده بود ساکنان آسمان از او خشنود می‌شوند و همچنین ساکنان زمین، زمین تمام بذرهای خود را بیرون می‌فرستد و بارور می‌شود و آسمان تمام دانه‌های باران را بر آنها فرو می‌بارد (و همهجا را سیراب و پر برکت می‌کند). [۱۲]. حاکم بعد از ذکر حدیث می‌گوید این حدیث صحیح است هر چند بخاری و مسلم آن را در کتاب خود نیاورده‌اند. و این گونه احادیث از راویان مختلف در منابع مشهور فراوان است و نشان می‌دهد که سرانجام حکومت جهانی به دست با کفایت مهدی (ع) بر پا می‌شود و همه جا پر از عدل و

داد می‌گردد و مضمون آیه، فوق ان الارض یرثها عبادی الصالحون تحقق می‌یابد.

سوره نور، آیه ۵۵

در آیه ۵۵ این سوره می‌خوانیم: وعده‌الله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم ولیبدلنهم من بعد خوفهم انما یعبدوننی لا یشرکون بی شیئا ومن کفر بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون: «خداوند به کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند وعده داده که آنها را به یقین خلیفه روی زمین کند، آن گونه که پیشینیان آنها را خلافت (روی زمین) بخشید و دین و آیینی را که برای آنها پسندیده است پا برجای و ریشه دار سازد و بیم و ترس آنها را به آرامش و امنیت مبدل کند آن چنان می‌شود که تنهامرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند کرد و کسانی که بعد از آن کافر شوند آنها فاسقند». در این آیه با صراحت به مؤمنان صالح بشارت داده شده است که سرانجام حکومت روی زمین را در دست خواهند گرفت و دین اسلام فراگیر خواهد شد و ناامنیها و وحشتها به آرامش و امنیت مبدل می‌گردد شرک از سراسر جهان برچیده می‌شود و بندگان خدا با آزادی به پرستش خدای یگانه ادامه می‌دهند و نسبت به همگان اتمام حجت می‌شود به گونه‌ای که اگر کسی بعد از آن بخواهد راه کفر را بپوید مقصر و فاسق خواهد بود. (مخصوصا در بخش آخر آیه دقت کنید) گرچه این امور مهم که مورد وعده الهی بوده است در عصر پیامبر (ص) و زمانهای بعد از آن در مقیاس نسبتا وسیعی برای مسلمین جهان تحقق یافت و اسلام که روزی در چنگال دشمنان گرفتار بود که مجال کمترین ظهور و بروزی به آن نمی‌دادند و مسلمانان دائما در ترس و وحشت به سر می‌بردند، سرانجام نه فقط شبه جزیره عرب بلکه بخشهای عظیمی از جهان را فرا گرفت و دشمنان در تمام جبهه‌ها شکست خوردند ولی با این حال حکومت جهانی اسلام که سراسر دنیا را فرا گیرد و شرک و بت پرستی را ابکلی ریشه کن سازد و امنیت و آرامش و آزادی و توحید خالص را همه جا گسترش دهد هنوز تحقق نیافته پس باید در انتظار تحقق آن بود. این امر مطابق روایت متواتره که قبلا به آن اشاره شد در عصر قیام مهدی (ع) تحقق خواهد یافت، بنابراین یکی از مصادیق این آیه در عصر پیامبر و اعصار مقارن آن حاصل شد و شکل وسیعترش در عصر قیام مهدی (ع) خواهد بود و این دو با هم منافاتی ندارد و این وعده الهی در هر دو مرحله باید تحقق یابد. منظور از استخلاف و جانشین شدن در اینجا همان جانشینی از اقوام کافر پیشین است که حکومت آنها زائل می‌شود و حکومت حق بحای آن می‌نشیند نظیر آنچه در آیه ۱۴ یونس آمده است: «ثم جعلناکم خلائف فی الارض من بعدهم لننظر کیف تعملون: «سپس شما را جانشینان آنها (آن اقوام ظالم) در روی زمین قرار دادیم تا بنگریم چگونه عمل خواهید کرد». شبیه همین معنی در آیه ۶۹ و ۷۴ اعراف آمده است. بنابراین کسانی مانند فخر رازی که پنداشته‌اند آیه دلیل روشنی بر صحت خلافت خلفای چهارگانه نخستین است چرا که آنها بودند که جانشین و خلیفه پیامبر شدند و وعده الهی در عصر آنان تحقق پیدا کرد گرفتار اشتباهی شده‌اند زیرا آیه فوق ناظر به خلافت پیامبر نیست بلکه خلافت و جانشینی اقوام پیشین است آنگونه که در آیات سه گانه بالا آمد و آن گونه که در آیه ۱۳۷ سوره اعراف آمده است: و اورثنا القوم الذین کانوا یتضعفون مشارق الارض و مغاربها التی بارکنا فیها وتمت کلمه ربک الحسنی علی بنی اسرائیل بما صبروا: «ما مشرقها و مغربهای پر برکت زمین را به آن قوم تضعیف شده (بنی اسرائیل) واگذار کردیم و وعده نیک پروردگارت بر آنها به خاطر صبر و استقامتی که نشان دادند تحقق یافت». به هر حال آیه بشارت و نوید حکومت مؤمنان صالح را بر سراسر جهان می‌دهد که در مقیاس وسیعی در عصر پیامبر اسلام (ص) و بعد از آن تحقق یافت، هر چند همه جهان را فرا نگرفت، ولی نمونه‌ای از تحقق این وعده الهی بود، اما به صورت حکومت جهانی بر تمام روی زمین هنوز تحقق نیافته و مصداق نهایی آن با فراهم شدن زمینه‌ها به مشیت الهی با حکومت حضرت مهدی (ع) تحقق خواهد یافت که طبق روایات پیامبر (ص) و سایر معصومین تمام دنیا را پر از عدل و داد می‌کند بعد از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد و ما در انتظار این وعده قرآنی هستیم. روایاتی که در تفسیر این آیه در منابع مختلف نقل

شده نیز این واقعیت را تأیید می‌کند. از جمله مفسر معروف «قرطبی» در تفسیر «الجامع لاحکام القرآن» ذیل این آیه از «سلیم بن عامر» از «مقداد بن اسود» نقل می‌کند که از رسول خدا (ص) شنیدم که می‌فرمود: ما علی ظهر الارض بیت حجر ولا مدر الا ادخله الله کلمه الاسلام «هیچ خانه‌ای از سنگ یا گل بر صفحه زمین باقی نمی‌ماند مگر اینکه خداوند اسلام را در آن وارد می‌کند. [۱۳]

و در تفسیر «روح المعانی» از امام علی بن الحسین» چنین نقل شده است که در تفسیر این آیه فرمود: هم والله شیعتنا اهل البیت یفعل ذلک بهم علی ید رجل منا و هو مهدی هذه الامه و هو الذی قال رسول الله (ص) فیه لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله تعالی ذلک الیوم حتی یلی رجل من عترتی اسمه اسمی یملا الارض عدلا و قسطا کما ملئت ظلما و جورا: «آنها به خدا سوکنند شیعیان ما هستند خداوند این کار را به دست مردی از ما انجام می‌دهد و او مهدی این امت است و او همان کسی است که رسول خدا درباره‌اش فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خداوند آن روز را طولانی می‌کند تا مردی از عترت من که نام او نام من است حاکم زمین شود و آن را پر از عدل و داد می‌کند، آن گونه که از ظلم و جور پر شده باشد». این حدیث را با مختصر تفاوتی در بسیاری از منابع اهل بیت (ع) می‌توان یافت. گرچه «آلوسی» در روح المعانی این حدیث را با نظر موافق ارزیابی نکرده ولی در ذیل آن می‌گوید از طرق ما پاره‌ای از روایات وارد شده که مؤید این معنی است - هر چند که مابراین تکیه نمی‌کنیم - مانند چیزی که «عطیه» از پیامبر اکرم نقل کرده است که پس از تلاوت این آیه فرمود: اهل البیت هیهنا: «اهل بیت (ع) در اینجا هستند» و اشاره به سوی قبله فرمود. [۱۴]. قرطبی حدیث دیگری نیز در این زمینه نقل می‌کند که پیامبر اکرم (ص) فرمود: زویت لی الارض فرأیت مشارقها و مغاربها وسیبلغ ملک امتی ما زوی لی منها: «زمین برای من گرد آوری شد، و تمام مشارق و مغارب آن را دیدم و به زودی حکومت امت من بر تمام آنچه در نظر من جمع و پیچیده شد (بر تمام روی زمین) استقرار خواهد یافت». [۱۵]

توضیح این که: همانگونه که گفتیم تحقق این وعده الهی مراحل دارد: یک مرحله از آن در مورد مؤمنان صالح در عصر پیامبر (ص) واقع شد، و بعد از فتح مکه و سیطره اسلام بر جزیره العرب، مسلمانان در سایه اسلام و پیامبر (ص) امنیت نسبی پیدا کردند و حاکم بر بخش عظیمی از منطقه شدند و آنچه در شان نزول این آیه آمده است تحقق یافت. (در شان نزول این آیه در بسیاری از تفاسیر، از جمله اسباب النزول، مجمع البیان، فی ظلال، و قرطبی (با تفاوت مختصری) آمده است هنگامی که پیامبر اسلام (ص) و مسلمانان به مدینه هجرت کردند و انصار با آغوش باز از آنها استقبال نمودند تمامی عرب بر ضد آنان قیام نمودند آن چنان که ناچار بودند اسلحه را از خود دور نکنند، شب را با سلاح بخوابند و صبح با سلاح برخیزند ادامه این حالت بر مسلمانان سخت آمد، بعضی می‌پرسیدند تا کی این حالت ادامه خواهد یافت؟ آیا زمانی خواهد فرارسید که شب را با خیال راحت استراحت کنیم و از هیچ کس جز خدا نترسیم؟ آیه فوق نازل شد و بشارت داد که چنین زمانی فرا خواهد رسید). مرحله دیگر آن در زمان خلفا واقع شد که اسلام بخشهای عظیمی از جهان را زیر بال و پر خود گرفت و امنیت و آرامش بیشتر برای مسلمین فراهم گشت. ولی مرحله سوم و نهایی یعنی عالمگیر شدن اسلام و حاکمیت بر کل جهان توأم با امنیت و آرامش و پیروزی سپاه توحید بر لشکر شرک هنوز تحقق نیافته و تنهادر عصر قیام مهدی (ع) صورت خواهد پذیرفت، و این معانی سه گانه که سلسله مراتب یک واقعیت است هیچ منافاتی با هم ندارد. ضمنا از این آیه استفاده می‌شود که این وعده الهی مخصوص افرادی است که دارای ایمان و عمل صالح باشند و به یقین در هر عصر وزمانی این دو شرط تحقق یابد مرحله‌ای از این حاکمیت الهی برای مسلمین فراهم خواهد شد و در نقطه مقابل هر گاه شکستنی رخ دهد و مسلمین در چنگال دشمنان ناتوان و خوار گردند باید دانست که آن دو اصل که دو شرط وعده الهی است به فراموشی سپرده شده: ایمانها ضعیف گشته و عملها آلوده گردیده است!

آیه ظهور حق

در آیه ۳۳ سوره توبه می‌خوانیم: هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون: «او کسی است

که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا او را بر همه آیینها غالب گرداند هر چند مشرکان ناخوش دارند. قابل توجه اینکه این آیه، بعد از آیه یزیدون ان یطفئوا نورالله بافواهم ویأبی الله الا ان یتیم نوره ولو کره الکافرون: «آنها می‌خواهند نور خدا را با دهان خویش خاموش کنند ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خدا را کامل کند هر چند کافران کراهت داشته باشند» قرار گرفته است. در اینکه منظور از پیروزی اسلام بر تمام ادیان چیست؟ مفسران احتمالات زیادی داده‌اند. فخر رازی پنج تفسیر در اینجا ذکر می‌کند که پاسخی است بر سوالات مربوط به چگونگی این غلبه: ۱- منظور غلبه نسبی و موضعی است چرا که اسلام در هر منطقه‌ای بر هر دین و آیینی پیروز شده است. ۲- منظور پیروزی بر ادیان در جزیره العرب است. ۳- منظور آگاه ساختن پیامبر (ص) از جمیع ادیان الهی است (در اینجا جمله «لیظهر» به معنی آگاه ساختن تفسیر شده) ۴- منظور پیروزی و غلبه منطقی است، یعنی خداوند منطق اسلام را بر سایر ادیان پیروز می‌گرداند. ۵- منظور پیروزی نهایی بر تمام ادیان و مذاهب به هنگام نزول عیسی (ع) و قیام مهدی (ع) است که اسلام جهان گیر خواهد شد. بی شک تفسیر آیه به پیروزی منطقی آن هم به صورت وعده‌ای برای آینده مفهوم درستی ندارد، زیرا پیروزی منطقی اسلام از همان آغاز آشکار بود، به علاوه ماده «ظهور» و «اظهار» (لیظهره علی الدین کله) به طوری که از موارد استعمال آن در قرآن مجید استفاده می‌شود به معنی غلبه خارجی و عینی است چنانکه در داستان اصحاب کهف می‌خوانیم: انهم ان یظهوروا علیکم یرجموکم: «اگر آنها بر شما دست یابند و پیروز شوند سنگسارتان خواهند کرد» (کهف - ۲۰). و در آیه ۸ سوره توبه می‌خوانیم: کیف و ان یظهوروا علیکم لایرقلوا فیکم الا- ولا- دمه: «چگونه پیمان آنها ارزش دارد در حالی که اگر بر شما غالب شوند، نه ملاحظه خویشاوندی با شما را می‌کنند و نه پیمان را». بدیهی است نه بت پرستان قوم اصحاب کهف، و نه بت پرستان مکه هرگز پیروزی منطقی بر خداپرستان نداشتند، غلبه آنها تنها غلبه خارجی بود، بنابراین منظور از غلبه اسلام بر تمام ادیان غلبه خارجی و عینی است نه غلبه منطقی ذهنی. این غلبه - همان گونه که نظیر آن در بحث گذشته آمد مراحل مختلفی دارد: یک مرحله آن در عصر پیامبر واقع شد و مرحله وسیعتر آن در قرون بعد و مرحله نهایی به هنگام قیام مهدی (ع) حاصل می‌شود، چرا که آیه شریفه سخن از غلبه اسلام بر تمام ادیان بدون هیچ قید و شرط می‌گوید. و غلبه مطلق و بی قید و شرط در صورتی به طور کامل تحقق می‌یابد که سراسر روی زمین را فرا گیرد همان گونه که در روایت پیامبر اسلام (ص) آمده است که فرمود: لا یبقی علی ظهر الارض بیت مدر ولا و بر الا ادخله الله کلمة الاسلام: «هیچ خانه‌ای بر صفحه روی زمین باقی نمی‌ماند نه خانه‌هایی که از سنگ و گل ساخته شده و نه خیمه‌هایی که از کرک و مو بافته‌اند - مگر اینکه خداوند کلمه اسلام را در آن وارد می‌کند». [۱۶]. شبیه همین معنی در تفسیر «الدر المنثور» از «سعید بن منصور» و «ابن منذر» و «بیهقی» در سننش از «جابر بن عبدالله» نقل شده است که در تفسیر این آیه گفت: لایکون ذلک حتی لایبقی یهودی و لا نصرانی صاحب مله الا الاسلام: «این معنی تحقق نمی‌یابد مگر آن زمانی که هیچ یهودی و نصرانی صاحب مذهب و ملت نخواهند بود مگر (همگی در سایه اسلام قرار خواهند گرفت و همه جا سخن از اسلام و کلمه توحید و عظمت خداوند یکتا است)» [۱۷] آری در آن روز بزرگ این وعده بزرگ تحقق می‌یابد: همه جا نغمه قرآن و دعا خواهد بود همه جا غلغل تسییح و ثنا خواهد بود بانگ تکبیر زهر بام و دری برخیزد عیش دجال مبدل به عزا خواهد شد عالم آن گونه که از ظلم و ستم پر گشته پر ز انوار عدالت همه جا خواهد شد اهرمن خیمه ز اطراف جهان بر چیند همه جا مظهر انوار خدا خواهد شد! همین معنی از امام صادق (ع) در تفسیر آیه فوق نقل شده است، فرمود: والله مانزل تاویلها بعد و لاینزل تاویلها حتی یخرج القائم فاذا خرج القائم لم یبق کافر بالله العظیم: «به خدا سوگند هنوز مضمون این آیه در مرحله نهایی تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می‌پذیرد که حضرت قائم (ع) خروج کند و به هنگامی که او قیام نماید کافری نسبت به خداوند در تمام جهان باقی نمی‌ماند. [۱۸]. این نکته نیز حائز اهمیت است که جمله «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله» در سه سوره از قرآن آمده است: اول سوره توبه آیه ۳۳ (چنانکه گذشت) دوم سوره فتح آیه ۲۸ سوم سوره صف آیه ۹. این تکرار نشان می‌دهد که قرآن مجید با تاکید هر چه بیشتر این مساله را پی گیری کرده است. در حدیث دیگری که در منابع اهل سنت از ابوهریره

نقل شده است که می‌خوانیم: منظور از جمله لیظهره علی الدین کله خروج عیسی بن مریم (ع) است (و می‌دانیم خروج عیسی بن مریم (ع) طبق روایات اسلامی به هنگام قیام مهدی (ع) است. [۱۹]. این بحث را با حدیث دیگری که از «قتاده» مفسر معروف نقل شده است به پایان می‌بریم، او در تفسیر این آیه می‌گوید: الادیان سته: الذین آمنوا و الذین هادوا و الصابئین و النصارى و المجوس، و الذین اشرکوا فالادیان کلها تدخل فی دین الاسلام: «در عالم شش دین وجود دارد الذین آمنوا (مسلمانان) یهود، ستاره پرستان، نصاری، مجوس و مشرکان، همه این ادیان داخل در اسلام می‌شوند». [۲۰]. روشن است که این معنی به طور نهایی هنوز تحقق نیافته و جز در عصر قیام مهدی حاصل نمی‌شود. این نکته نیز قابل ملاحظه است که منظور از میان رفتن آیین یهود و مسیحیت به طور کامل نیست بلکه منظور حاکمیت اسلام بر همه جهان است (دقت کنید).

پاورقی

[۱] از نامه مورخ ۲۱ یوما ۱۹۷۶ که به امضاء مدیر مجمع فقهی اسلامی محمد منتظر کنانی رسیده است، این رساله نتیجه بحث نامبرده و چهار نفر دیگر از فقهای معروف حجاز: شیخ صالح بن عثین، و شیخ احمد محمد جمال، و شیخ احمد علی، و شیخ عبدالله خیاط.

[۲] در این زمینه می‌توانید به کتاب انقلاب جهانی مهدی مراجعه فرمایید.

[۳] التاج الاجامع للاصول، ج ۵، ص ۳۴۱ (این مطلب به صورت پاورقی در آن صفحه آمده است).

[۴] ابن خلدون، صفحه ۳۱۱ (چاپ بیروت).

[۵] نقل از کتاب التاج، ج ۵، ص ۳۶۰ (چاپ داراحیاء تراث العربی).

[۶] مستدرک احمد، جمله ۳، ص ۳۶.

[۷] سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۵۲.

[۸] بعضی از بزرگان علما تصریح کرده‌اند که صحیح در اینجا، اسم ابیه اسم ابنی (اسم پدرش اسم فرزند من می‌باشد) و به این ترتیب با نام مبارک حضرت مهدی به عقیده شیعه (محمد بن الحسن العسکری) کاملاً موافق است.

[۹] التاج، ج ۵، ص ۳۴۳.]

[۱۰] المستدرک، ج ۴، ص ۵۵۸.

[۱۱] صحیح ابی داود، ج ۲، ص ۲۰۷.

[۱۲] المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۶۵ (طبع حیدرآباد دکن).

[۱۳] تفسیر قرطبی، ج ۷، ص ۴۶۹۲.

[۱۴] روح البیان، ذیل آیه مورد بحث.

[۱۵] تفسیر قرطبی، ذیل آیه مورد بحث.

[۱۶] مجمع البیان، ذیل آیه مورد بحث.

[۱۷] الدر المنثور، ج ۳، ص ۲۳۱.

[۱۸] نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۱۲.

[۱۹] الدر المنثور، ج ۳، ص ۲۳۱.

[۲۰] همان مدرک.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

